

تعذیرات اقتصادی

تعذیرات یا تحریمات که در انگریزی Sanctions گفته می شود عبارت از مجموع تدابیری است که بنا بر دلایل خاص سیاسی وضع میگردد، تعذیرات بدو شیوه عملی میگردد اولی بصورت یک جانبه (Unilateral) که عبارت از تعذیرات یک کشور علیه کشور دیگر است مثلاً تعذیرات امریکا علیه کوبا و یا تعذیرات چندین کشور علیه یک کشور خاص (Multilateral) که حالت دومی بیشتر توسط فیصله های ملل متحد، اتحادیه کشورهای (اتحادیه اروپایی) و یا با توافق چند کشور، مرعی الاجرا قرار میگردد و شامل تعذیرات ذیل است :

- تعذیرات دیپلماتیک ، قطع روابط سیاسی
- تعذیرات اقتصادی
- تعذیرات نظامی
- تعذیرات ورزشی

تعذیرات مترادف بر وضع محدودیت ها و یا انقطاع مناسبات و مرادوات و داد و ستد تجاری، ، فرهنگی ، سیاسی و نظامی می باشد که بنام (Embargo) یاد می شود.

درین نوشته صرف تعذیرات اقتصادی را به بحث می گیریم در اصول و با مراعات شیوه های دموکراتیک در سطح بین المللی، حالت دلخواه؛ ایدیال؛ آنچه در روی کاغذ آمده ، تخطیهای علنی بعضی کشور های عضو خانواده ملل از مجوزه ها، دساتیر و فیصله های جامعه جهانی مورد توجه قرار گرفته یا به فیصله اکثریت در جلسه عمومی سالانه بالایی آن بحث گردیده به شورای امنیت دستور اتخاذ تدابیر داده می شود، و یا اینکه به پیشنهاد یک و یا چندین عضو شورای امنیت برای اتخاذ تدابیر لازم روی آن بحث می شود، که باز هم هر فیصله ایجاب رأی اکثریت

اعضای شورای امنیت را می نماید. (پیشنهاد وضع تعذیرات و تدابیر دیگر بالای حکومت سوریه که با مخالفت روسیه و چین مواجه شد). فیصله ها شامل تدابیر ملایم چون اختاریه ها و هوشدار ها و یا اقدامات شدیدتر چون وضع تعذیرات سیاسی و اقتصادی یا بحیث آخرین حربه مداخله مستقیم نظامی است که هدفمجبور ساختن دولتی برای تغییر روش و باز نگری در سیاست اش و یا سقوط رژیم بر سر اقتدار می باشد (لیبیا).

ممالک خطاه کار شامل آنهایی اند که به تعهدات خود با پیمان ها و میثاق های پذیرفته شده بین المللی وفا ننموده روش هایشان در سبیل احترام به حقوق تبعه خودشان مستبدانه و ظالمانه بوده، و یا اینکه مملکت دیگری را مورد تجاوز نظامی قرار میدهد، و یا صلح، امنیت و ثبات کشور دیگری را با مداخلات مستقیم و یا غیر مستقیم اما مشهود برهم میزند (مداخلات لایبریا در سرالیون) و یا مبادرت به تولید و تجارت علنی امتعه غیر مجاز که حیات مردم را بخطر بیندازد مثلاً مواد مخدره، و یا خلاف فیصله کنوانشن های بینالمللی اقدامات برای تولید سلاح ذروی.

و یا روش و فعالیت های یک نظام که صلح جهانی را بخطر مواجه سازد مثلاً ایجاد تعلیمگاه، پناه گاه و فراهم آوری تسهیلات در قلمرو خود برای فعالیت های تخریبی گروه های دهشت افکن (همکاری نظام طالبانی با القاعده).

حالات متذکره فوق و حالات دیگری که توضیح نیافته ایجاب اتخاذ تصامیم جدی را توسط ملل متحد می نماید که در عدم مؤثریت تدابیر تعذیری و تأدیبی بحیث آخرین وسیله بخاطر رفع خطر ممکنه از مداخلات نظامی استفاده می شود.

توقع جامعه مدنی امروز که شیپور دموکراسی و عدالت اجتماعی با تمام قوت پُف میگردد اینست که اتخاذ تصامیم ملل متحد از همه بیشتر بر اصول دموکراتیک و شفافیت استوار بوده و ممثل اراده اکثریت باشد و این تدابیر ساخته و پرداخته مراجع زور نبوده بر وفق مزاح آنها رقم زده نشود. متأسفانه تجارب گذشته راوی این نوع تخطی ها و خدعه ها است.

چون بحث من بطور مشخص روی تعذیرات اقتصادی مجوزۀ ملل متحد است ، نمی خواهم قضاوت کنم که واقعاً کدام یک از ممالک مغضوب سزاوار چنین تعذیرات اند و کدام نی، و یا در بعضی موارد خاص معیار ها برای اتخاذ تدابیر چیست؟ و موقف جامعه جهانی در مورد بعضی چشم پوشی های علنی بنابر دلایل خاص سیاسی و نفوذ پس پرده که از مقامات زور نشأت می نماید و مشروعیت تحت فشار قرار دادن بعضی ممالک مطابق دستور زوروالاها همه سؤال بر انگیز است .

برای توضیح بیشتر مطلب باید به جرأت و صراحت بحیث همسایه در بدیوار ایران بگویم که من در ابدیت و هرگز طرفدار اتومی شدن نظام ولایت فقیه ایران نیستم و خداوند هیچگاه علی خامنه را به این آرزویش نرساند، عین هراس از جانب پاکستان متصور است که با نفوذ قوی افراطیون در اردوی آنکشور اگر این اسلحه تباه کن بدست این حلقات افتاد در آنصورت بر شانه هر طالب و بر پشت هر اشتری راکت اتومی خواهد بود.

ولی سؤال اینجاست که هندوستان ، اسرائیل و پاکستان چرا مورد چنین مؤاخذات و تعذیرات، تأدیبات و فشار ها که دارنده سلاح اتومی اند قرار نگرفتند؟ و آیا خموشی ، اغماض و سیاست های دو پهلو در مورد آنها باعث تشویق دیگران نگردید؟. اگر سلاح اتومی وسیله نابودی عالم بشریت است که البته است، پس چرا ممالک دارنده از سیاست های بچه ترسانی منصرف نشده در حالی که همه داد از انسانیت میزنند و ملیون ها دالر را برای محو سرطان و اید و دیگر امراض مصرف می نمایند ولی درجیب واسکت چنین زهر مخوف و تباه کن را نگهمیدارند با یک فیصله جدی و تاریخی همه دارو ندار اسلحه اتومی خود را محو نمی کنند، و تا بکی از مقام زور امرمی نمایند من حق داشتن دارم و تونی، کی تضمین می نماید که اسرائیل این سلاح را بالای همسایه ها و هندوستان و پاکستان « اگر ضرورت هوگیا» بالای همدیگر بکار نبرند.

یاد داشت: امریکا و جاپان بر هندوستان در ماه می سال ۱۹۹۸ تعذیرات کوتاه مدت وضع نمودند ولی بزودی برداشته شد، پاکستان هم برای مدت مؤقت زیر

تعدیرات قرار گرفت ولی با وقوع حوادث در افغانستان و حمله شوروی پاکستان بجه نازدانه شد و سرش سر زانوی امریکا قرار گرفت

بهر حال هدف از وضع تعدیرات اقتصادی در ظاهر امر تحت فشار قرار دادن نظام های بر سر اقتدار است که از موازین پذیرفته شده بین امللی تخطی نموده وضع تعدیرات و مخصوصاً تعدیرات اقتصادی احتمالاً مؤجد شرایطی گردد که نظام حاکم خود را در تنگنایی انزوا و تنگدستی بیابد که برای رهایی از آن با جامعه بین امللی از در مصلحت پیش آمده از مرکب جهل خود پائین شده پیشنهادات را برای تغییر مثبت در موقف و سلوک سیاسی خود ایجاد نماید. تعدیرات اقتصادی محدودیت ها و ضیق ساختن شرایط، تحدید تجارت و داد و ستد بین امللی ونزول عواید و روابط بانکداری و پولی که مسلماً باعث نزول سطح عاید دولت، عطالت دستگاه های تولیدی، بیکاری، قحطی و بحران اقتصادی میگردد احتوا می نماید.

هدف نهفته دومی توسط وضع تعدیرات اقتصادی بر انگیختن مردم علیه نظام است که اگر شرایط ناگوار اقتصادی انگیزه قیام مردمی گردد.

تعدیرات اقتصادی برای اولین بار بالای نظام نژاد پرست افریقای جنوبی ودر سال ۱۹۶۵ بالای رودیشیا (بعد از اعلان استقلال) تطبیق گردید، اینکه تعدیرات در ایجاد تحولات آنکشورها تا چه حدی نقش داشته معلوم نیست، اوراق ملل متحد این تعدیرات را مؤثرترین میخواند، اما در واقعیت امر بنیان گذاران و حامیان آن رژیم ها در برابر قیام همگانی اکثریت سیاه اراده تغییر کرده بودند.

هکذا میتوان از تعدیرات اقتصادی علیه زیمبابوی، عراق (۱۹۹۰ - ۲۰۰۳)، کوریای شمالی، امریکا علیه کوبا (۱۹۶۲ - تا حال) و تحدیدات تجارتي علیه ماینمار (برما) از سال ۱۹۶۳ باینطرف میتوان از وضع تعدیرات تجارتي بر ایران مبنی بر منع صدور مواد ووسایل برای تولید راکت های دور زن و تعدیرات صدور اسلحه به رژیم متلاشی شده یوگوسلاویا میتوان یاد آوری کرد.

اما تجربه نشان داده که این تعذیرات خم بر ابروینظام ها نیاورده و جزئی ترین تأثیری بالای شرایط زندگی حشمت و جلال و عیش و نوش شان نداشته است.

با وضع تعذیرات بالای عراق بعد از جنگ اول شرق میانه سداس حسین و حواریونش به همان منوال همیشهگی زندگی نموده همان قصر ها بود و همان حشم و خدم ، جاه و جلال و همان زندگی تجملی .

ولی شکنجه این تعذیرات را مردم بینوا، ستم کشیده و بیچاره عراق دیدند و تعذیرات تأثیرات بیحد ناگوار خود را بالای کلیه شئون زندگی مردم وارد نموده به هزاران طفل مریض عراقی از نبود دوا، غذا و وسایل جان دادند ، بصدها دستگاه تولیدی بخاطر نرسیدن مواد خام ویا پرزه جات عاطل مانده ده ها هزار کارگر عراق بیکار شد و بحران گسترده اقتصادی عراق را فرا گرفته و زجر واقعی را مردم کشیدند. در پروگرام تیل برای غذا (Oil For Food) که توسط ملل متحد اداره می شد سوء استفاده ها و چپاول های بزرگی توسط مامورین عالیرتبه ملل متحد صورت گرفت (دوسیه ها حفظ شد) و منفعت واقعی به مردم بلا کشیده عراق نرسید و سداس حسین همان سداس حسین باقی ماند.

تعذیرات هیچنوع تغییری را در روش زمامداری نیاورده آنچه توقع میرفت انگیزه تحرک مردم علیه رژیم نگریده و بر عکس مردم را بیشتر منقاد آن دکتاتور گردانید.

به همین منوال تعذیرات وضع شده بر ایران صدمه خاصی بر نحوه زندگی شخصی رهبران ایران وارد ننموده حواریون ولایت فقیه ، آیت الله های وابسته به نظام ، اعضای کابینه مطیع و فرمانبردار ، اعضای مجلسین جیره خوار نظام آخندی ، پاسداران انقلاب ، بسیجی ها ایله جاری های حافظ منافع نظام ، سپاه و قوای امنیتی کماکان از جمیع امتیازات برخوردار بوده ولی کمر ملت ایران زیر بار این تعذیرات خم شده.

هفته پیش میز مدوری را در تلویزیون الجزیره میدیدم که بحث روی اینموضوع می چرخید بعضی از اشتراک کنندگان از وضع تعذیرات اقتصادی بر رژیم

آخندی جانبداری میکردند و مدعی بودند که نظام در مضیقه قرار دارد و احتمالاً باعث ایجاد تغییرات در سلوک نظام می شود، ولی دو نظر دهنده دیگر که ایرانی بودند تأثیرات آنرا بر حلقات قدرت ایران ضعیف پنداشته مصدومین و متضررین واقعی مردم را دانستند، خانمی گفت فشار حقیقی بالای طبقه متوسط ایران که ماشین محرکه اقتصاد اند بسیار شدید و وهمناک است. این فشار ها مردم را بیشتر به بیچارگی و انقیاد می کشاند، دولت با سوء استفاده از این حالت و بهره برداری سیاسی خود دامن برنامه های تعاونی (Subsidy) ها را گسترده تا مردم مجبور را در استیلائی قدرت خود بکشاند، توقع بپا خیزی مردم علیه نظام خواب و خیالی بیش نیست.

قصی الهذا با بررسی اوضاع کوریای شمالی، زمامدار و کدر رهبری و وابستگان آن زندگی فوقالعاده تجملی داشته و این ملت به غل و زنجیر کشیده شده کوریای شمالی است که زجر و درد این تعذیرات را متحمل میگردند.

خلاصه این تدابیر توقعات و انتظارات محاسبه شده را برآورده نساخته تأثیرات سوء بمراتب بالاتر از مفیدیت آنست و این خود تخطی از حقوق ملیون ها انسان بیصدا است که توسط رژیم های دکتاتوری شناسایی شده مورد تعذیب قرار میگیرند. تعذیرات اقتصادی ایجاب غور مزید و باز نگری را می نماید.

پایان